

میا و میابور



۲۲

# نامه مندی لهری



کرد آورنده فریدون جنیدی

نیایشابور

۲۲

# نامه‌فروشک

گردآورنده فریدون جنیدی

نامه فرهنگ ایران، دفتر سوم

گردآورنده: فریدون جنیدی

چاپ نخست: ۱۳۶۸

شمار: ۳۰۰۰ دفتر

حروفچینی: تایپ گوروش ۹۳۹۳۶۰

صفحه آرای: چلیپا

لیتوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: ۲۰۰۰

نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور، بولوار کشاورز، روبروی پارک لاله خیابان جلالیه،

شماره ۸ ساختمان کیخسرو اردشیر زارع، تلفن ۶۵۲۷۸۴

## نگرشی بر تاریخ ایرانشناسی ارمنیان

مناسبات تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایرانیان و ارمنیان گذشته‌ای بس طولانی دارد و این امر معلول هم‌ریشگی و همسایگی دیرینه دو ملت است. ارمنیان در مورد ایرانشناسی فعالیت‌هایی انجام داده‌اند که در این مقاله کوشش نگارنده بر این است که خلاصه‌ای از بررسی‌ها و پژوهش‌های ارمنیان درباره ایران و فرهنگ ایرانی را به آگاهی خوانندگان گرامی برساند.

نخستین تاریخ‌نویس ارمنی آگاتانگوس (Agatangełos) (سده ۵ م.) است که کتاب تاریخ ارمنیان "او شامل اطلاعات گرانمایی درباره تاریخ مسیحیت در ارمنستان و ادیان دیگر در کشورهای همسایه می‌باشد. این کتاب در سده هفتم و پس از آن، به زبانهای تازی و یونانی ترجمه شده‌است و در آن اشاراتی به سقوط سلسله اشکانی و پیروزی ساسانیان گردیده است. یکی از معاصران وی تاریخ‌نویس دیگری بنام پاوستوس بیوزاند (Pāvstos byuzānd) (سده ۵ م.) در کتاب "تاریخ ارمنیان" خود که مشتمل بر رویدادهای سالهای ۳۳۰-۳۸۷ م. است مطالب بسیار مهمی در مورد تاریخ ایران در سده چهارم ارائه می‌دهد زیرا که وی خود شاهد و گواه برخی رویدادهای عصر خویش بوده است. کتاب یاد شده بعلا اهمیت ویژه خود به زبانهای اروپایی ترجمه شده است.

قازار پارپتسی (پاربی) (azār Pārpetsi) (سده ۵ م.) نیز در کتابهای "تاریخ ارمنیان" و "صحیفه واهان مامیکنیا" رویدادهای بین سالهای ۳۸۷-۴۸۶ م. در ایران، بیزانس، گرجستان، اران و سایر کشورهای همسایه ارمنستان را مرور می‌کند. کتاب تاریخ یاد شده بی‌تردید یکی از منابع مهم تاریخ ایران محسوب می‌گردد. در مورد

تاریخ سده پنجم، کتاب تاریخ یغیشه *yāšise* (سده ۵ م.) مکان ویژه‌ای بخود اختصاص می‌دهد. اطلاعاتی در مورد دیدگاه‌های مذهبی ایرانیان و روش زندگانی آنها، جغرافیای ایران و بسیاری مطالب دیگر در این اثر گنجانده شده است.

نخستین کتاب علمی و مفصل تاریخ ارمنستان توسط مورخ سده پنجم، *Moses Xorenatsi* (موسی خورناتی) برشته تحریر درآمده است. وی برای نگارش اثر خود از منابع گوناگون یونانی و آشوری سود برده است و جالب اینکه برخی از آنها توسط کتاب خورناتی برای جهانیان شناخته شده است. "تاریخ ارمنیان" خورناتی منبع بسیار مهمی در مورد تاریخ کشورهای خاورمیانه است. اطلاعات گرانبیهایی در خصوص روایات ایرانی و قدیمی‌ترین نگارش داستان رستم و مطالبی که گوشه‌های تاریک تاریخ ایران را روشن می‌سازند در آن ریاض شده وجود دارد. خورناتی خیلی پیش از فردوسی در مورد افسانه آزدهاک بیوراسب سخن گفته است.

در مورد دیدگاه‌های مذهبی - فلسفی آئین زرتشتی و نیز چگونگی ایجاد فرقه‌ها در این آئین اطلاعات کمی وجود دارد. این کمبود را در کتاب "تکذیب فرقه‌ها" نوشته یزینیک کوچباتسی *yezniq kočbātsi* (کوچی) تاریخ‌نویس ارمنی سده پنجم میلادی جبران می‌کند. فصل سوم (از چهار فصل) این کتاب به بررسی آراء و عقاید کیش زرتشتی اختصاص دارد.

بدین ترتیب منابع ارمنی در خصوص تاریخ ایران در سده پنجم میلادی اطلاعات بسیار مفیدی شامل می‌شوند و زوایای تاریک این عصر را روشن می‌سازند. منابع سده هفتم نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. مطالب سودمندی درباره رویدادهای این عصر بویژه جنگ‌های ایران - بیزانس، لشکرکشی‌های تازیان، سقوط حکومت ساسانی، تصرف قلمرو بیزانس توسط تازیان و غیره در منابع ارمنی سده هفتم میلادی قابل دسترسی است. در این عصر هیچ اثر مستقل ایرانی، یونانی، لاتین، آشوری و تازی در خصوص رویدادهای مذکور نگارش نیافته است و آنچه که موجود می‌باشد در سده‌های بعد نوشته شده است و در اینجا تنها "تاریخ" *Sebeos* (سبئوس) (سده ۷ م.) تاریخ‌نویس ارمنی مستثنی است. وی در کتاب خود در مورد رویدادهای سده ششم و هفتم در ارمنستان و کشورهای خاورمیانه و نزدیک سخن می‌گوید. از جمله در مورد جزئیات لشکرکشی هراکلیوس قیصر بیزانس به ایران، لشکرکشی تازیان به ایران و ارمنستان و بین‌النهرین، قدرت یافتن و سقوط اشکانیان، تاریخ سیاسی عصر ساسانی و مسایل داخلی حکومت، روش مملکت داری ساسانیان و سازمان ارتش و بسیاری مطالب دیگر درباره ساسانیان، تازیان و غیره. سبئوس در مورد داستان خسرو و شیرین و اسفندیار مطالبی را بیان می‌کند. کتاب "تاریخ تارون" اثر هوهان مامیکنیان *havhān māmikonian* تاریخ‌نویس سده هفتم نیز شامل اطلاعاتی در مورد

دوران ساسانی و مبارزه مذهبی ارمنیان در برابر آنان می باشد .

نویسندگان ارمنی سده های ۱۱ - ۱۴ م . کمبودهایی را جبران می کنند که در اثر کشمکشهای سیاسی و اوضاع ناپایدار ایران در دوران های مذکور ناشی شده بود . یکی از این مورخان ، استپانوس تارونتسی آسویگیک Stepānos taronetsi asovik (سده دهم) می باشد که در کتاب "تاریخ جهان" خود اطلاعات مفیدی در مورد دوران یاد شده بخصوص در رابطه با قفقاز ، ایران ، آسیای صغیر ، خاورمیانه و نزدیک ذکر می کند . گریگور ماگیستروس grigor māgistros (سده ۱۱ م .) در "صحائف" خود قطعات قابل توجهی از روایات افسانه ای و داستانی ایران را حفظ نموده است . ساموئل آنتسی Samuel anetsi در "وقایعنامه" خود وقایع نگاری پادشاهان ارمنی ، بیزانسی و ایرانی را آورده برخی تاریخهای ناشناخته و مورد تردید را بررسی نموده است . "تاریخ ارمنیان" نوشته گراگوس گانزاکتسی girāgos gāndzāketsi (گنجوی سده ۱۳ م .) در مورد تاریخ فتوحات مغول در خاورمیانه و نزدیک اطلاعات بسیار مهمی را نقل می کند . گریگور آکتتسی grigor āknetisi نیز در خصوص زبان و فرهنگ و روش زندگی قوم مغول و سیستم حکومتی آنان اطلاعات گرانبهایی در اثر خود ذکر نموده است . دیگر تاریخ نویسان که نوشته های سودمند در آثار خود دارند عبارتند از آریستاگس لاستیورتسی aristākes lāstivertsī (سده ۱۲ م .) ماتوس اورهاتیسی mātēvos urhāyetsī (سده ۱۲ م .) ، وارثان آیکگتسی Vārtān āygeketsī (سده ۱۳) استپانوس اربلیان stepānos orbelian (سده ۱۳ م .)

در سده های ۱۴ - ۱۵ م . (که دوران پرتلاطم تاریخ ارمنیان است) چهره های درخشانی از مورخان ارمنی که همچون تاریخ نویسان سده پنجم مطالبی درباره تاریخ ایران ذکر کرده باشند ، وجود ندارند .

همگام با تاریخ نویسی ، نویسندگان ارمنی سده های میانه در خصوص جغرافیا نیز آثار قابل توجهی بر رشته تحریر کشیده اند . قدیمی ترین اثر از این نوع "جهان نما" نوشته آنانیا شیراکاتسی ānāniā širākatsī (سده ۷ م .) می باشد . وی در اثر خود اطلاعاتی در مورد ارمنستان ، ایران ، گرجستان ، اران ، قفقاز شمالی ارائه می دهد که اصولاً شامل تقسیمات اداری کشورها ، شهرها ، کوهها ، رودها و جاده های آنها می باشد . اطلاعات شیراکاتسی بویژه در مورد تقسیمات کشوری ایران ، اقتصاد و سایر مسایل آن در دوران ساسانی حائز اهمیت است .

اطلاعات و علاقه نویسندگان ارمنی در مورد تاریخ ایران طی دوران موخر سده های میانه و عصر جدید نه تنها کاسته و تضعیف نشده بلکه تقویت هم گردیده است . در سده ۱۶ م . آثار مدرن تاریخی توسط نویسندگان ارمنی تالیف نشده است بلکه اکثر مطالب

بجا مانده شامل وقایع نگاری‌هایی است که توسط نویسندگان شاهد بر رویدادها نوشته شده است و این خود دارای اهمیت فراوان از نظر موثق بودن آنها است. از آثار بجا مانده باید "مرثیه تبریز" نوشته سیمون آپازانتسی *Simon āpārantsi* را نام برد که یکی از منابع مهم روابط ایران و ترکان عثمانی در سده ۱۶ میلادی محسوب می‌گردد. وی خود شاهد تصرف تبریز توسط ترکان در سال ۱۵۸۵ بوده اطلاعات موثقی در مورد این رویداد تاریخی بجا گذاشته است.

چهره سرشناس تاریخ‌نویسی ارمنی در سده ۱۷ م. آراکل داوریشتسی *arakeł* (تبریزی ۱۵۹۵ - ۱۶۶۹) است که در "تاریخ" خود رویدادهای سالهای ۱۶۰۱ - ۱۶۶۲ را خود شاهد بر آنها بوده بررسی می‌کند. اگر چه این اثر در مورد تاریخ ارمنستان نگاشته شده است لیکن مطالب زیادی در مورد ایران، عثمانی و سایر نواحی بویژه آذربایجان و عراق عجم شامل می‌گردد. وی با تفسیر رویدادها به این اثر ارزش ویژه‌ای می‌بخشد و نصرالله فلسفی در اثر چهار جلدی "تاریخ شاه عباس اول" بطور گسترده از کتاب آراکل سود برده است.

در مورد زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، جغرافیا، مردم‌شناسی ایران و جنگ‌های ایران و عثمانی، تجارت خارجی ایران در این عصر باید آثار زیر را یاد نمود:

"وقایع نگاری" گریگور داراناغتسی *grigor dārānāḡtsi* (سده ۱۷ م.)،  
"تاریخ نگاری" زاگاریا سارکاواگ، "یادداشت‌های روزانه" زاگاریا آگولستی "سفرها" ی  
اوگوستینوس باجتسی *ārākel dāverizḡtsi*

در مورد تاریخ سده ۱۷ آثار مستقل و مختص به تاریخ ایران نیز توسط نویسندگان ارمنی نگاشته شده است. بهترین نمونه آن "تاریخ ایرانیان" بقلم خاچاتور جوغایتسی می‌باشد. وی اثر خود را با وقایع نگاری زمان کوروش آغاز نموده تا عصر کریمخان زند (۱۷۷۹) ادامه می‌دهد. وی تصمیم داشت جلد دومی نیز در مورد داستانها و افسانه‌های ایران بنویسد لیکن مرگش مجال نمی‌دهد و موفق به انجام این کار نمی‌گردد. بخش دوم کتاب مذکور به تاریخ حکومت کریمخان اختصاص دارد و شامل اطلاعات بسیار گرانبها است زیرا که مولف خود شاهد آن وقایع بوده است.

در مورد سقوط سلسله صفوی و لشکرکشی افغانان و تسلط آنان بر پایتخت، اثر پترووس دی سارکیس گیلانتسی حائز اهمیت است. در خصوص تاریخ سده ۱۸ م. بررسی علل سقوط صفویان و اوضاع اقتصادی ایران، "تاریخ ایران" نوشته جانتلیق اران یسانی حسن جلالیان دارای مطالب مفیدی است. "تاریخ نگاری" آبراهام کرتانتسی درباره رویدادهای دهه ۳۰ سده ۱۸ یک منبع موثق و حاوی مطالب فراوان محسوب می‌گردد.

منابع دیگری نیز در مورد وقایع سده ۱۸ بویژه درباره نادر شاه، تحت عناوین "تاریخ جنگ" نوشته آبراهام یزوانتسی، "لشکرکشی‌های تهماسب‌قلی خان و شاه شدن او"، اثر هاگوب شاماختسی، "جامبر" نوشته سیمون یروانتسی، "دیوان" یغیا (یحیی) کارنتسی موشغیان و غیره قابل ذکر می‌باشد.

\* \* \*

بنیانگذار خاورشناسی علمی ارمنی را باید گورک در هوانیسیان (۱۷۳۷-۱۸۱۲) دانست. که اثر مهمی دارد تحت عنوان "فرهنگ فارسی - ارمنی". او در این کتاب اطلاعات متعددی در مورد اسطوره‌شناسی، افسانه‌ها، روایات مردمی و امثال و حکم و داستانهای حماسی بدست می‌دهد. یکی دیگر از ویژگی‌های این فرهنگ این است که در برابر هر واژه چندین معنی ذکر شده و نمونه‌هایی از اشعار شعرای کلاسیک ایران با حروف ارمنی ارائه می‌گردد. در برخی موارد ترجمه نمونه‌های ادبی ایران قید می‌گردد. وی کتابهای درسی فارسی و عربی نیز تألیف کرده است. دستور زبان فارسی و برخی مطالب دیگر همچنین ترجمه چند اثر از فارسی به ارمنی از جمله کارهای او بشمار می‌روند.

خاجاتور آبوویان (۱۸۰۵-۱۸۴۸) مروج علم و فرهنگ نوین در "یادداشتهای دوریات" اطلاعات فراوانی درباره ایران نوشته است. مسروپ تاغیادیان (۱۸۰۳-۱۸۵۸) از مشاهیر فرهنگ ارمنی در سده نوزدهم. توجه خود را به ایران و هندوستان نیز معطوف داشته است. اثر او تحت عنوان "تاریخ پارسیان" شامل تاریخ ایران از دوران اساطیری تا عصری می‌شود. او از منابع متعدد یونانی، فارسی و ارمنی استفاده کرده است. تا ناغیاریان اثر دیگری تحت عنوان "یادداشتهای سفر به ایران" دارد. در اینجا نیز مطالب فراوانی درباره ایران نوشته است. او داستانها و امثال و حکم فارسی را گردآوری نموده آنها را به ارمنی ترجمه کرده و بنام "سخنان شیوای فارسی" بچاپ رسانده است.

استپانوس نازاریان (۱۸۱۴-۱۸۷۹) سرپرست کرسی خاورشناسی دانشگاه فازان روسیه و از استادان دانشکده لازاریان مسکو فعالیت‌های چشمگیری در زمینه خاورشناسی انجام داده است. وی برای دریافت درجه فوق لیسانس در رشته فرهنگ ایرانی و ارمنی کار کرده، تز دکترای خود را در زمینه شاهنامه فردوسی و اثری در بررسی گلستان سعدی و چند اثر دیگر از خود بجای گذاشته است علاوه اولین ترجمه روسی گلستان سعدی توسط وی انجام شده است. وی همچنین در نشریه "هیوسیساپایل" (درخشش شمال) مقالات متعددی در نقد ادبیات کلاسیک ایران و آثار جامی، سعدی، مولوی و غیره چاپ نموده است.

یکی دیگر از مشاهیر ارمنی روسیه مگردیچ امین (۱۸۱۵ - ۱۸۹۰) است وی در کتاب "داستانهای کهن ارمنستان" بخشهایی را به فرهنگ ایران اختصاص داده است از جمله در مورد "افسانه‌های پارسی" خورنی و آژدهاک شاهنامه بحث مفصل می‌کند. وی مقاله مهمی تحت عنوان "مادها در ارمنستان کهن" دارد و در آن از مناسبات ارمنیان و مادها سخن به میان می‌آورد.

در میان ایرانشناسان نامی ارمنی سده ۱۹ گروه پاتکانیان (۱۸۳۳ - ۱۸۸۹) مکان ویژه‌ای بخود اختصاص می‌دهد. کتابش تحت عنوان "تاریخ ساسانیان بر پایه منابع ارمنی" با استقبال شدید ایرانشناسان روبرو گردید و به چند زبان اروپایی برگردانده شد. وی سالیان متعددی استاد کرسی ایرانشناسی دانشگاه پتربورگ بود و سالها پس از مرگش این کرسی تعطیل گردید تا در سال ۱۹۰۱ بار تولد اجازه یافت تدریس تاریخ و جغرافیای ایران را ادامه دهد.

کاراپت یزیان (۱۸۳۵ - ۱۹۰۵) در کتاب "روابط پطرکبیر با ارمنیان" مناسبات سیاسی روسیه و ایران را در سده‌های ۱۷ و ۱۸ مورد بررسی قرار می‌دهد و مسائل سیاست داخلی و خارجی حکومت صفوی را باز می‌شمارد. ارمنی شناس و ایرانشناس نامی گریگور خالاتیان (۱۸۵۸ - ۱۹۱۲) در آثار خود اشارات فراوانی به تاریخ و فرهنگ ایران دارد. وی در اثر خود تحت عنوان "قهرمانان ایران در میان ملت ارمن" این مسئله را بررسی می‌کند که روایات حماسی ایران تا چه حد در میان ارمنیان شناخته شده و تاثیر نموده است.

در سده ۱۹ و اوایل سده بیستم در روسیه و اروپای غربی آثار متعددی از نویسندگان ارمنی در رابطه با ایران بچاپ رسید. از آن جمله هستند. کتاب کیشمیشف درباره حکومت نادر شاه، بررسی‌ها و مطالعات سلیمان خان میرانی، مطالعات داویت ملیک شاه نازاریان در مورد تاریخ و جغرافیا و فرهنگ ایران، آثار ه. گاترجیان، ستیان، در هوهانیان، هوسپیان، اینجیکیان، غوندالیشان و غیره. در سده ۱۹ علاقه زیادی برای بررسی ادبیات کلاسیک ایران در میان نویسندگان ارمنی بوجود آمد. آثار فردوسی، خیام، سعدی، حافظ، مولوی، جامی و سایرین به ارمنی ترجمه شد. همچنین کار پژوهشهای تاریخ ایران ادامه یافت و ل. تیگراف کتاب ارزشمند "مناسبات اجتماعی - اقتصادی ایران" را برشته تحریر درآورد. گ. درغوگاسیان پژوهش در منافع اقتصادی روسیه در ایران" را که به روابط اقتصادی ایران و روسیه در سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ اختصاص دارد به انجام رسانید. آنرپد atorped از چهره‌های درخشان ایرانشناسی است. آثارش عبارتند از "امامت" در بررسی مذهب شیعه، "فرقه بابیه" در عقاید بهائیان، "زمین‌داری و بهره مالکانه در آذربایجان"، "تشکیلات اداری آذربایجان"، "قضاوت در آذربایجان"،



"جنش محمد علیشاه در کشور شیر و خورشید" و غیره .

پژوهشگرو تاریخدان نامی سده بیستم هاروتیون تیریکیان در زمینه پهلوی‌شناسی فعالیت‌های چشمگیری انجام داد . وی ترجمه‌های بسیاری از پهلوی به ارمنی انجام داده است از جمله "کارنامه اردشیر بابکان" ، ترجمه‌هایی نیز از ادبیات کلاسیک ایران همچون شاهنامه بعمل آورده است . فرزندش تیرداد تیریکیان نیز کار وی را ادامه داد .

پس از پیروزی حکومت شوروی ، کار پژوهش‌های ایرانشناسی در ارمنستان بصورت منظم‌تری ادامه یافت و رژیم جدید روز بروز اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل گردید . انستیتوی خاورشناسی تاسیس شد و پژوهشگران در زمینه ایرانشناسی به کار مشغول شدند . در زمینه ایرانشناسی دانشمندی چون پروفیسور روبن آبراهامیان ( ۱۸۸۱ - ۱۹۵۱ ) که مدتی را در ایران گذرانده ، کار کرده‌اند . وی آثار بسیاری از خود بجا گذاشته است . از جمله فرهنگ پنج‌زبان پهلوی - ارمنی - فارسی - روسی - انگلیسی و ترجمه آثار بابا ظاهر عریان بخشهایی از شاهنامه ، " ارداویرافنامه " . وی در سال ۱۹۳۵ کرسی زبان‌های کهن ایران و زبان پهلوی را در دانشگاه تهران بنیان گذاشت .

یکی از شاگردان و همکاران پروفیسور آبراهامیان بنام گورک نالپاندیان در زمینه ایرانشناسی تحقیق کرده و هم‌اکنون نیز به کار خود ادامه می‌دهد . وی " دستور زبان پهلوی " ، " دستور زبان فارسی " و چند اثر دیگر تاکنون به جامعه اهل تحقیق تقدیم کرده است . او استاد کرسی ایرانشناسی انستیتوی خاورشناسی ارمنستان است .

از دیگر پژوهشگران ارمنستان باید بابکن چوگاسزیان را نام برد که در زمینه‌های مختلف فرهنگ و زبان ایران کار می‌کند " مناسبات ادبی ایرانیان و ارمنیان " از جمله آثار وی می‌باشد .

آ . شاهسواریان کتاب " شاهنامه و منابع ارمنی " را به رشته تحریر کشیده قهرمانان حماسی ایران و ارمنستان را مقایسه نموده است . کتاب دیگر او تحت عنوان " ابوعلی سینا و ادبیات ارمنی " قرار دارد .

سرگئی اوماریان در زمینه ترجمه ادبیات ایران کار می‌کند . او شاهنامه فردوسی را ترجمه کرده و بچاپ رسانده است . ترجمه برگزیده دیوان حافظ و چند شعر از رودکی نیز توسط وی انجام گردیده است .

گلستان سعدی توسط آ . ملیک وارثانیان به ارمنی ترجمه شده و در سال ۱۹۵۸ در ایروان بچاپ رسیده است .

نویسندگان چون ه . یگانیان ، ب . بالاییان ، ه . پهلوانیان ، ل . شخویان ، آ . آرزومانیان ، ل . دانغیان ، آشوت گراشی و سایرین از پژوهشگران معاصر ارمنستان می‌باشند که در مورد فرهنگ تاریخ ایران تحقیق کرده و می‌کنند .

سالهای اخیر در ایران فعالیت‌هایی برای ترجمه ادبیات ایران به ارمنی صورت گرفته است از جمله ترجمه رباعیات خیام توسط هوسپ میرزایان ترجمه دیوان حافظ و رباعیات خیام بوسیله آشوت میناسیان، ترجمه قسمتی از بوستان سعدی توسط شادروان خورن درووریان، کتاب "شعر معاصر ایران" و ترجمه رباعیات خیام از زوریک میرزایان و غیره. هم‌اکنون بخش ارمنی بنیاد نیشابور در زمینه مناسبات تاریخی، فرهنگی، زبانشناسی مشترک و بسیاری زمینه‌های دیگر مشغول پژوهش و بررسی است. امید می‌رود با ایجاد امکانات بیشتر در جهت بازشناسی فرهنگ مشترک ایران و ارمنستان گام‌های بلندتری در این زمینه برداشته شود.

سطوری که از نظر خوانندگان فرزانه‌گذشت خلاصه‌ای بود از فعالیت‌هایی که پژوهشگران ارمنی در زمینه ایران‌شناسی انجام داده‌اند. در واقع آثار فراهم آمده به مراتب بیشتر از موارد یاد شده می‌باشد لیکن بررسی تمام آنها حتی نام بردن تک تک آنها نیاز به صفحات بیشتری دارد که از حوصله و امکانات این نامه خارج است. امید نگارنده بر این است همچنانکه در جهت شناساندن فرهنگ ارمنی تلاش می‌کند بتواند فرهنگ ایران و بخصوص مشترکات و مناسبات نزدیک‌دوقوم برادر را بازشناخته منابع مهم ارمنی در رابطه با ایران را در اختیار جامعه اهل پژوهش ایران‌شناسی قرار دهد.

